

# وقت منته



تنظیم و کاریکاتور:  
آرش عادل

BY: ARASH ADELI  
adeli1353@yahoo.com

**هوش**  
پسر بچه شش ساله‌ای را برای آزمایش هوش پیش متخصص  
برده بودند، دکتر لبخندی به بچه زد و از او سوال کرد:

ببینم کوچولو، گربه چند تا دم داره؟

پسر بچه: یکی!

چند تا پا داره؟

چهار تا!

چند تا گوش داره؟

دو تا!

چند تا چشم داره؟

پسرک اخمی کرد و گفت: آقای دکتر، مگه شما خودتون تا حالا

گربه ندیدین؟!!



## دلیل

رئیس رو به کارمندی که تقاضای اضافه حقوق کرده بود کرد و گفت:  
آقای احمدی متأسفانه با تقاضای شما موافقت نمی‌شه،  
کارمند گفت: جناب رئیس، جسارتاً بهتره که موافقت بفرمائید!  
رئیس ابرویی بالا انداخت و گفت:  
اگه موافقت نکنم جنابعالی چه کار می‌کنین؟  
کارمند: قربان اون وقت مجبور میشم به همه کارمندا بگم که شما حقوق  
منو دو برابر کردین!!!



**نیاز**  
توی خیابان پسرکی مظلوم و رنگ پرده مشغول گریه بود، همانطور  
که داشت اشک میریخت با صدایی لرزان جلوی پیرمردی را گرفت و  
گفت:

آقا، آقا خواهش می‌کنم اگه ممکنه ۲۰۰ تومن به من بدین، می‌خوام  
برم پیش پدر مادرم...

پیر مرد که دلش برای پسر بچه سوخته بود از جیبش یک اسکناس  
۲۰۰ تومانی در آورد و به پسرک داد و از او پرسید:

ببینم کوچولو، پدر مادرت کجا هستن؟

پسرک که خندان در حال دور شدن بود گفت: " سینما " !



## منطق

عصمت خانم به عفت خانم: باور میکنی من و شوهرم  
ده سال از گاره که ازدواج کردیم ولی تا حالا یه دفعه هم  
دعوامون نشده.  
عفت خانم: پس حتما اشتباهی شده، شما برای هم ساخته  
نشدین!!

## بامشاهیر...

سواد

روزی " انیشتین " برای صرف غذا وارد رستورانی شد. وقتی که گارسون لیست غذا را جلوی " انیشتین " گذشت او متوجه شد که عینکش را جا گذاشته و نمی تواند لیست غذا را بخواند، از این رو به گارسون گفت: ببخشید ممکنه لیست غذاهاتون رو برای من بخونین؟  
و گارسون که " آلبرت انیشتین " را نمی شناخت سرش را نزدیک آورد و گفت: متاسفم آقا، من هم مثل شما سواد ندارم!!!



### مرحوم

می گویند وقتی " جرج برنارد شاو " نویسنده شوخ طبع انگلیسی به دعوت آمریکایی ها سفری به این کشور کرد، هنگامی که برای نخستین بار چشمش به مجسمه آزادی افتاد از همراه آمریکایی خود پرسید: این مجسمه کیست؟  
مرد پاسخ داد: این مجسمه " آزادی " است.  
" برنارد شاو " آهی کشید و گفت: ... بله، اتفاقا در کشور ما هم رسم است که وقتی شخصی می میرد، مجسمه اش را بر روی آرامگاهش می گذارند... خداوند رحمتش کند!!!



## کوتاه... از عالم پزشکی!

طبیعی

دکتر بعد از معاینه ی مریض به او گفت:  
فشار خون شما کاملا طبیعی است و این در دوره زمنه ما به کلی غیر طبیعیه!!

تفاوت

از دکتری پرسیدند فرق بین مریضی که میمیرد و مریضی که خوب میشود چیست؟  
گفت: خیلی ساده است، هر دوی آنها از دست داده ایم!!

احرش زودب



A R A B H AUGUST 0102